مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

محمد شریف منصور

۲۰۲۲/۰۷/۲۷

زندگینامه حضرت محمد مصطفی (ص)

بخش هژدهم

پیامبر(ص) پس از پیروزی در نبرد حنین، به مکه بازگشت و مالک بن عوف پس از آنکه از پیامبر (ص) شکست خورد، فرار کرد و به شهر طائف که در اختیار قبیله بنی ثقیف بود، پناه برد. [۱] بنی ثقیف که میدانستند پیامبر بزودی به سراغ آن ها خواهد آمد حصارهایشان را مرمت کردند و آذوقه کافی برای یک سال را در طائف گرد آوردند [۲] و پس از آن دروازه های شهر را بستند، در اطراف حصار شهر منجنیق هایی نصب کردند و آماده دفاع از شهر شدند. پیامبر با سپاهی از مکه خارج شد و به طائف لشکر کشید.[۳] آن حضرت در راه کاخ مالک بن عوف را دید و دستور داد که آن را به آتش بکشند. [۴] پیامبر و مسلمانان زمانی که به طائف رسیدند در نزدیکی شهر اردوگاهی بر پا کردند جنگجویان طائف آن ها را از بالای حصار به تیر بستند و تعدادی از سپاهیان اسلام شهید و زخمی شدند].۵ [پیامبر یکی از یاران خود را فرستاد تا جای بهتری که در تیر رس دشمنان نباشد پیدا کند و پس از اینکه آن مرد جای مناسبی پیدا کرد پیامبر و یاران ایشان به آنجا نقل مکان کردند[۶]پس از آنکه پیامبر ثقیف را در محاصره گرفت فرمود: هر کس از بندگان طائف که به نزد ما بیاید آزاد خواهد بود و دستور داد که این خبر را با صدای بلند چنان که به گوش ساکنان طائف برسد، اعلان کنند. جمعی از بردگان طائف، پس از مطلع شدن از این فرموده پیامبر، از شهر فرار کردند و به حضور پیامبر آمدند و آن حضرت آزادی آن ها را تائید کرد و مخارج هر کدام از آن ها را به عهده یکی از مسلمانان گذاشت[۷]از آنجا که تیرهای مسلمانان به جنگجویانی که بالای باروی طائف بودند، نمی رسید [۸] و کار دیگری هم از دست ها برنمی آمد حضرت سلمان فارسی پیشنهاد کرد که منجنیقی بسازند و آن را نصب کنند و به وسیله آن بارو را هدف قرار بدهند. پیامبر با پیشنهاد حضرت سلمان موافقت کرد و حضرت سلمان منجنیقی ساخت و آن را نصب کرد [۹] و به وسیله آن منجنیق به سوی طائف سنگ پرتاب می کردند] .۱۰ [مدت محاصره طائف مشخص نیست و این مدت را پانزده[۱۱] هیجده[۱۲] بیست[۱۳] و یا بیشتر از بیست روز[۱۴] نوشته اند .پس از این مدت پیامبر دستور پایان محاصره و بازگشت را صادر کرد اما مسلمانان خواهان ادامه جنگ بودند به همین خاطر پیامبر فرمود که بامداد روز بعد مجددا خواهند جنگید و از آن ها خواست که برای جنگ فردا آماده باشند. فردای آن روز بازهم جنگ ادامه یافت و چند تن از مسلمانان زخمی شدند، در نتیجه همه با پایان جنگ موافقت کردند] .۱۵ [پس از آنکه پیامبر از طائف به جِعرّانه (محلی در نزدیکی مکه) رسید و می خواست اسرا و غنیمت هایی که از قبیله هوازن گرفته بودند را تقسیم کند، نمایندگان قبیله هوازن که چند تن از آن ها هم مسلمان شده بودند به حضور آن حضرت آمدند و از پیامبر خواستند که اسیران و دارایی شان را دوباره به آن ها برگرداند. پیامبر از آن ها خواست که میان دارایی و اسرا یکی را انتخاب کنند، هوازن اسیران را برگزیدند. پیامبر اسرایی که در اختیار ایشان بود را آزاد کرد و مهاجران و انصار هم از ایشان پیروی کردند اما جمعی از مسلمانان راضی به این کار نشدند و پیامبر از آن ها خواست که هر کدام از اسرای شان را در ازاء شش شتر به آن حضرت بسپارند. آن ها هم قبول کردند و بدین ترتیب همه اسرا آزاد شدند. زمانی که اعضای قبیله هوازن می خواستند به سرزمین شان برگردند پیامبر به ایشان فرمود: اگر مالک بن عوف بیاید و مسلمان شود من خانواده و همه اموال او را به وی بر میگردانم و صد شتر هم به او خواهم بخشید. اعضای قبیله هوازن این خبر را به مالک که گفتیم در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

شهر طائف به سر میبرد، رساندند و او هم از طائف فرار کرد و به حضور پیامبر آمد و مسلمان شد. پیامبر خانواده و اموال مالک را به او برگرداند، ریاست قبیله های هوازن و فهم را هم به او واگذار کرد و صد شتر هم به او بخشید].۱۶ [پس از آن پیامبر غنایم جنگ را میان سران قریش و تازه مسلمانان و قبایل دیگر تقسیم کرد و به انصار سهمی نداد، انصار از این موضوع ناراحت شدند اما پیامبر با آن ها گفتگو کرد و به آن ها فرمود: ای گروه انصار، چرا در مورد اندکی مال دنیا که من خواستم با آن دل قومی را به دست آورم که مسلمان شوند آزرده خاطر شدید؟ و حال آنکه من شما را با اسلام تان واگذاشتم. ای گروه انصار، آیا خوشنود نیستید که مردم شتر و گوسفند ببرند و شما رسول خدا را همراه تان ببرید؟... سوگند به خدا اگر همه مردم به راهی بروند و انصار به راهی دیگر، من راه انصار را خواهم رفت. انصار از این سخنان پیامبر خوشنود شدند. [۱۷] پیامبر پس از تقسیم اموال، عَتاب بن اَسید را به عنوان والی مکه گماشت و برای او روزی یک درم پول از بیت المال تعیین کرد و خودش به همراه سپاه اسلام به مدینه بازگشت[۱۸]ادامه دارد ...

مأخذ ها:

۱ _سیره رسول خدا، ص ۴۶۸
۲ _مغازی، ج سوم، ص ۷۰۴
۳ _سیره رسول خدا، ص ۴۶۸
۴ _مغازی، ج سوم، ص ۷۰۵
۵ _طبقات، ج دوم، ص ۱۵۴ و سیره رسول الله، ۴۶۹
۶ _مغازی، ج دوم، ص ۷۰۵_۷۰۶
۷ _طبقات، ج دوم، ص ۱۵۶
۸ _سیره رسول خدا، ص ۴۶۹
۹ _مغازی، ج سوم، ص ۷۰۶
۱۰ _سیره رسول الله، ص ۴۶۹
۱۱ _مغازی، ج سوم، ص ۷۰۶
۱۲ _طبقات، ج دوم، ص ۱۵۵
۱۳ _سیره رسول الله، ص ۴۶۹
۱۴ _تاریخ طبری، ج سوم، ص ۱۲۵۹ و تاریخ یعقوبی، ج اول، ص ۴۲۶
۱۵ _طبقات، ج دوم، ص ۱۵۵
۱۶ _مغازی، ج سوم، ص ۷۲۲_ ۷۲۶
۱۷ _همان، ج سوم، ص ۷۲۸
۱۸ _سیره رسول الله، ص ۴۷۰_۴۷۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ